



The Family Amid Civilizational Confrontation: Religious Family-Oriented Actors of the World in Opposition to Individualist Civilization

Fariba Alasvand

Assistant Professor, Department of Theoretical Studies, Women and Family Research Institute, Qom, Iran.

alavand@wfr.ac.ir

 0000-0000-0000-0000

Abstract

Although civilizational confrontation has been examined from various perspectives and possesses a substantial scholarly literature, the subject of the family also constitutes part of this body of knowledge and has produced numerous theoretical and practical outcomes. An examination of macro-level transformations concerning the family demonstrates that major developments—particularly since the twentieth century—have been centered on the family. This is because individualism or familism, as significant components of the core of left- and right-wing orientations, have constituted central axes of global transformation, each seeking to establish its own corresponding structures and thereby intensifying confrontation. The aim of this article is to demonstrate a civilizational approach centered on this axis. The research method is library-based with content analysis. In this study, alongside reference to sensitive concepts and foundational propositions—including individualism, familism, and sexual diversity—the notion of a “smart confrontation” for the protection of the family at the global level is elaborated. The findings indicate: the existence of an intelligent global confrontation for the protection of the family; the necessity for Muslims to protect the family through a civilizational and structure-building perspective; and the need for pragmatic action among Muslims within subcultures to safeguard the family. Consequently, family-oriented civilization is gender-conscious and religion-oriented, possessing full readiness for a large-scale religious coalition. Such a coalition may emerge at the global level among followers of the Abrahamic religions; at the level of Islamic countries among Islamic governments and Muslim-majority states; and at the subcultural level among Muslims themselves.

Keywords: Family; Individualism; Civilization; Religion; Sexual diversity; West.



مقاله پژوهشی**خانواده در میانه تقابل تمدنی: خانواده‌گرایان مذهبی جهان در تقابل با تمدن فردگرا**

فریبا عباسوند

دانشیار گروه مطالعات نظری پژوهشکده زن و خانواده، قم، ایران.

alasdvand@wfrc.ac.ir

id 0000-0000-0000-0000

چکیده:

اگرچه تقابل تمدنی از زوایای مختلفی مورد بررسی قرار گرفته و ادبیات علمی قابل توجهی دارد، موضوع خانواده نیز بخشی از این دانش بوده و دستاوردهای نظری و عملی زیادی را رقم می‌زند. بررسی ابعاد و آثار کلان‌مقیاس درباره خانواده، نشان می‌دهد تحولات بزرگ به‌ویژه از قرن بیستم تاکنون با تمرکز بر خانواده رخ داده است زیرا فردگرایی یا خانواده‌گرایی به‌مثابه بخش مهم هسته چپ‌گرایی و راست‌گرایی، محور تحولات در جهان بوده و هر کدام به دنبال ایجاد ساختارهای مرتبط خود را بوده و تقابل را برجسته کرده‌اند. هدف از این مقاله نشان دادن رویکرد تمدنی با این محور و روش پژوهش کتابخانه‌ای و تحلیل محتوا است. در این پژوهش ضمن اشاره به مفاهیم حساس و گزاره‌های پایه شامل فردگرایی، خانواده‌گرایی و تنوع‌گرایی جنسی به تبیین تقابل هوشمند برای حفاظت از خانواده در گستره جهانی پرداخته شده است. یافته‌ها عبارت‌اند از وجود تقابل هوشمند برای حفاظت از خانواده در گستره جهانی، ضرورت حفاظت مسلمانان از خانواده با نگاه تمدنی و ساختارساز و لزوم عمل‌گرایی برای حفاظت از خانواده میان مسلمانان در خرده‌فرهنگ‌ها. در نتیجه تمدن خانواده‌گرا جنسیت آگاه و دین‌گراست که آمادگی کامل برای ائتلافی بزرگ و دینی دارد. این ائتلاف می‌تواند در سطح جهانی میان پیروان ادیان ابراهیمی، در سطح کشورهای اسلامی میان دولت‌های اسلامی و دولت‌هایی با اکثریت مسلمان و در سطح خرده‌فرهنگ‌ها میان مسلمانان با یکدیگر شکل بگیرد.

واژگان اصلی: خانواده، فردگرایی، تمدن، دین، تنوع‌گرایی جنسی، غرب.

دسترسی به مقالات نشریه علمی مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی (Open Access) است.

نشریه علمی «مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی» تحت مجوز بین‌المللی

Creative Commons Attribution 4.0 International CC BY 4.0



تحت مجوز بین‌المللی

Doi: 10.22034/irsj.2025.503840.1105

مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرات مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی نمی‌باشد.

۱. مقدمه

خانواده از مهم‌ترین دغدغه‌های آیت‌الله خامنه‌ای است که آثار آن به همه ابعاد تمدنی یک جامعه کشیده می‌شود. در فرمایشات ایشان همه ارکان خانواده بارها مورد توجه، تحلیل، اثرسنجی و پیامد شناسی قرار گرفته و برخی گزاره‌های اساسی در این باره به مثابه مبنا برای رویکرد تمدنی اسلامی هستند. برای مثال، در موارد متعددی ایشان بر اصل رویداد ازدواج با صرف نظر بر آثاری مانند فرزندآوری یا تأمین مالی تأکید داشته‌اند. بنا به استدلال ایشان به روایت «من تزوج فقد احرز نصف دینه» ازدواج به خودی خود و در هر شکلی ظرفیت دارد به سلامت اخلاقی و روانی افراد بیانجامد (صلح میرزایی، ۱۳۹۶: ۴۲-۴۳) زیرا بخش مهمی از وسوسه‌های شیطانی، فشارهای روانی و حتی پاره‌ای از مشکلات جسمی ناشی از سرریز غریزه شهوانی، نیاز به همدم و حامی است که به احتمال زیاد با ازدواج پایان می‌یابد. چنان که تأکید بر انس منزلی و رابطه مشروع خانواده به‌عنوان رکن جامعه که انواع همزیستی و هم‌باشی‌های دیگر را طرد کرده از جمله گزاره‌های ایدئولوژیک درباره خانواده در کلمات ایشان است. روشن است که به لحاظ نظری بیان چارچوب برای خانواده، پایه دینی دارد که همه خانواده‌گرایان در دنیای مسیحی و یهودی نیز از همین نقطه می‌آغازند. از جمله مبانی پایه در فرمایشات آیت‌الله خامنه‌ای تأکید بر مادری به مثابه امر بی‌همتا و غیرقابل جایگزینی (صلح میرزایی، ۱۳۹۶: ۳۱۶-۳۱۷ و ۳۲۳)، تأکید بر فرزندآوری به‌عنوان یک مجاهدت زنانه (صلح میرزایی، ۱۳۹۶: ۳۲۵) است. از سوی دیگر، این مهم که استعمار غربی در همه فرآیندهای سلطه و نفوذ خود به دنبال امحای این نقطه کانونی در تمدن اسلامی و بلکه در تمدنی شرقی بوده نیز فایله دیگری در فرمایشات آیت‌الله خامنه‌ای است که مفروضات اصلی نگرش تمدنی ما را تشکیل می‌دهند (صلح میرزایی، ۱۳۹۶: ۱۹۸-۲۰۰). ایشان بارها تأکید فرمودند که ما درباره مسئله زن از غرب طلبکار بوده و خود را مدعی می‌دانیم (صلح میرزایی، ۱۳۹۶: ۱۸۳) که در جای خود مضمون مهمی برای ایجاد پرونده‌های علمی فرهنگی برای ارائه به اندیشمندان غربی است. زمانی که این نگرش در گستره جهانی دنبال می‌شود نشان می‌دهد ادیان ابراهیم خود نقش برجسته‌ای در این باره داشته و می‌توان این مهم را به یک دغدغه دینی جهانی

تبدیل کرد و صف‌بندی جدیدی ایجاد کرد که نتیجه‌اش وجود یک شرق مفهومی در قبال غرب مفهومی می‌شود. این شرق مفهومی شامل همه پیروان خانواده‌گرای ادیان می‌شود که ادبیات دفاع از خانواده آن‌ها بسیار به هم شبیه است، زن برای آن‌ها محترم است و خانواده نقطه شروع تمدنی عفاف‌محور است. چنان که غرب مفهومی نیز مبتنی بر آزادی به‌ویژه آزادی جنسی فردگرایانه است که هر دو باعث تضعیف خانواده شده‌اند (صلح میرزایی، ۱۳۹۶: ۴۳). استفاده از واژه شرق و غرب مفهومی در واقع به هدف فراروی از مرزهای جغرافیایی و رسیدن به درک بهتر از جنبه‌های همسوی فرهنگی است که در دکترین آیت-الله خامنه‌ای امری مهم برای تقابل با فرهنگ مهاجم است. مقاومت که کلیدواژه این دکترین است در واقع به ایجاد زنجیره‌ای از رفتارها و ساختارهای فرامرزی اشاره دارد که نیروی اسلامی و دینی را قوت می‌بخشد و از دولت و نظام اسلامی به سمت تمدن اسلامی حرکت می‌کند. این تمدن نقاط تلاقی با سایر ادیان ابراهیمی دارد که در این مقاله با این رویکرد پیش خواهیم رفت. گفتنی است گزاره‌های فوق به‌عنوان مفروضات این پژوهش دانسته می‌شوند.

از دیگر جهت، امروزه بیش از هر زمان دیگری آشکار گشته خانواده در معنای ایدئولوژیک آن، یعنی ساختاری معین، ناهمجنس‌خواه، شرعی و قانونی، هسته سخت تمدنی است. این ساختار دارای ارزش‌هایی مانند مراقبت، حمایت، عشق‌ورزی، تولید نسل پاک (حلال‌زادگی)، احترام و آموزش اخلاق و آداب است که تنها در یک رابطه تعهدآمیز قابل دستیابی هستند. مطالعات تاریخی درباره تحولات خانواده به‌ویژه تمرکز بر تغییرات قرن بیستم و تاکنون نشان می‌دهد بسیاری از ارزش‌های خانواده به طور مشخص موضوع و مبدأ تحولات بوده و خود به یک چرخه تغییرات عمیق دیگر دامن زده‌اند. برای مثال، زمانی که در ماده ۲۵ اعلامیه حقوق بشر مقرر شد کودک حاصل از رابطه قانونی و غیرقانونی از همه حقوق اجتماعی به طور مساوی برخوردار باشند، این امر پایانی بر اهمیت حلال‌زادگی و آغازی برای تسریع تحولات رفتاری و اخلاقی بر مبنای آزادی جنسی بود. این چرخه در خود تحولات پوشش و آرایش، تحولات هنری به‌ویژه تحول در رسانه، تحولات ازدواج، طلاق و جمعیت را به دنبال داشت. تحولات نظری پیرامون

مفهوم جنسیت و جداسازی آن از مفهوم جنس طبیعی نیز به تحولات رفتاری دامن زد زیرا والدین متقاعد شدند خودپنداره فرزندان از هویت جنسی آنان امری متحول است و تابع هیچ ارزشی نیست چنان که آنان پذیرفتند نیاز جنسی امری کاملاً فیزیکی و بدنی است که نیاز نیست در ذیل قواعد اخلاقی درج شده و نظم ویژه‌ای را بپذیرد.

بررسی فراتحلیلی نسبت به این تغییرات نشان می‌دهد خانواده با تمام ارزش‌هایش یک جداکننده اساسی تمدنی است و امروزه در همه جای جهان به اهمیت آن پی برده‌اند. بر این اساس هر چقدر که مخالفان این نهاد به اقدامات واضح‌تری برای تغییر آن دامن - زنند، خانواده‌گرایان در صف منسجم‌تری به تقابل تمدنی با آن پرداخته و به صورت هدفمند و هوشمند با آثار آن مبارزه خواهند کرد؛ مبارزه‌ای که ملهم از ادیان ابراهیمی است.

مسئله اصلی این مقاله نشان دادن این وجهه تمدنی با برجسته‌سازی مهم‌ترین مفهوم نظری و اقدام عملی است. از این رو، نوشتار حاضر به فردگرایی و بلکه ابرفردگرایی به‌عنوان هسته معنایی ضدیت با خانواده و مخالفت با تنوع‌گرایی جنسی به‌مثابه اقدام مهم خانواده‌گرایان در جهان پرداخته و سپس گام‌هایی برای تقابل هوشمند با جریان‌های ضد خانواده را پیشنهاد می‌دهد. این نوشتار که بر اساس یک بررسی عمیق و گسترده از جریان خانواده‌گرایی در جهان و با روش کتابخانه‌ای و جستجوی اسناد اینترنتی نهادهای معطوف به خانواده به دست آمده برگرفته از طرحی با عنوان «بررسی مفاهیم، گزاره‌ها، نهادها و کنشگران خانواده‌گرا در مقیاس جهانی: در راستای حمایت از گفتمان خانواده و مقابله هوشمند با گفتمان‌های ضد آن با رویکرد بین‌المللی» است. هدف از این مقاله نشان دادن رویکرد تمدنی به موضوع خانواده چه در راستای حمایت و چه مخالفت و ضدیت با خانواده است.

۲. مفاهیم حساس و گزاره‌های پایه

۲.۱. فردگرایی تمدنی

خانواده به‌مثابه نهاد طبیعت‌بنیاد که با ادیان الهی و قوانین بشری متأثر از آن تقویت شده، دارای ارزش‌های مشترک و ثابتی در طول تاریخ بوده است. هسته سخت این ارزش‌ها

ناهم‌جنس‌خواهی، رابطه جنسی منحصرانه، دوام، مراقبت، دلسوزی و همیاری اعضاست که در مقیاس جهانی هنوز هم خانواده‌های بسیاری به آن پایبند هستند.

با وجود این پیشینه قدرتمند طبیعی و تاریخی، خانواده و ارزش‌های آن دچار تحول شده و این تحول از دهه هشتاد میلادی به این سو با سرعت و تکرر بیشتری رخ داده است. به دنبال تغییرات تمدنی و فناورانه، تغییرات نسلی وابسته به این اکوسیستم فرهنگی در سراسر جهان پدید آمده است که متغیر و معیار اصلی این تغییرات، تحولات رفتاری و ارزشی است. میزان تسلیم والدین در برابر ارزش‌های جدید اجتماعی نقش برجسته‌ای در تغییرات نسلی داشته است که خود نشان‌دهنده تحول خانواده در ارزش‌های متبوع است. اگرچه تعیین مهم‌ترین ارزش اثرگذار ضدخانواده در جهان مدرن چندان آسان نیست، شناسایی کلیدواژه‌ای که بتواند این حجم از تحولات را تبیین کند، مهم است. مطالعات نشان می‌دهد محققان بسیاری در این باره اندیشیده‌اند و می‌توان ادعا کرد در مرکز این تحولات، یک پرونده باز از تغییرات مفهومی بر پایه فردگرایی وجود دارد. بر این اساس اگرچه خانواده از جهات گوناگون در معرض تهدید قرار گرفته است، بیشترین اثرات ویرانگر بر آن از سوی لیبرالیسم افراطی فردگرا با کمک پیش‌برنده‌هایی در سیاست، آموزش و رسانه بر آن تحمیل شده است.

امروزه سخن گفتن از ساختار قدرتمند فردگرایی و پیامدهای آن بر خانواده چندان دشوار نیست؛ زیرا در گستره جهانی، کمابیش آشکار شده‌اند. برخی نویسندگان در این باره نوشتند سی سال بعد چیزی که ما می‌توانیم به آن افتخار کنیم، عبارت است از افزایش بیش‌ازحد مسائل عاطفی میان نوجوانان، تعداد بی‌شمار دانش‌آموزان نافرمان و ستیزه‌جو، افزایش چشمگیر روابط جنسی پیش از ازدواج و مهم‌تر از همه کاهش حرف‌شنوی از والدین (اشلفلی و ونکر، ۱۳۹۳: ۱۶۷). رابطه نداشتن با بزرگ‌ترهای مهربان و راهنما، فقدان حمایت پدر قانونی و بیولوژیک از فرزند و مادر او، نبود عشق‌های پایدار و وفادارانه و کمبود انسان‌های باگذشت و دیگرخواه امروزه در همه جا تجربه می‌شوند. فردگرایی در کنار ارزش‌های مدرن دیگر مانند رفاه‌طلبی و مادی‌گرایی، انسانی تربیت می‌کند که تنها برای نظام سرمایه‌داری کارکرد دارد. کانون سرمایه‌داری، فرد

مصرف‌گراست؛ بدون هویت جنسی معین و بدون ارزش‌هایی که او را به قناعت، لهوگریزی و معنویت‌گرایی دعوت کنند. این در حالی است که خانواده هویتی ناهم‌جنس خواه دارد و با ارزش‌هایی مانند عشق، فداکاری، گذشت، دیگرخواهی، قناعت، شبکه خویشاوندی و رفتار منضبط شناخته می‌شود.

شاید تعبیر ابرفردگرایی (Hyper individualism) که برخی نویسندگان به کار برده‌اند، گویاتر باشد؛ زیرا دسته‌ای از مفاهیم دیگر در ذیل آن قرار می‌گیرند. اگرچه هر جا سنت‌های خانوادگی و دینی قوی‌تر باشند، تحولات نسلی کنترل‌شده‌تر هستند، امروزه خانواده مسلمان در کشورهای اسلامی و خانواده مسیحی و یهودی در کشورهای دیگر ابرفردگرایی را در نسل خود مشاهده می‌کنند. تنها راه مقابله با ابرفردگرایی و ارزش‌های آن تقویت خانواده طبیعی و ارزش‌های دینی مرتبط با آن در سرتاسر جهان است.

۲.۲. خانواده‌گرایی تمدنی

امروزه ما شاهد یک نظم جدید با محوریت خانواده هستیم که در واقع طرفیت این نظم، غرب مفهومی و شرق مفهومی هستند؛ به عبارت دیگر در جغرافیای غربی جهان و در نظم فرهنگی غربی جریان نیرومند خانواده‌گرایی وجود دارد که بیشترین قرابت مفهومی را با جریان‌های اسلامی شرقی دارد که دال مرکزی آن‌ها خانواده الهی است. منظور از خانواده الهی، خانواده در طراحی کتب مقدس است که با وجود همه تحولات دوره مدرن خود را بر اساس مانایی مفاهیم کتاب مقدس از یک سو و ریشه‌های فطری خانواده از سوی دیگر، حفظ کرده است. این ائتلاف با وجود پیچیدگی‌هایی که دارد از نظر پنهان است زیرا جریان رسانه به شدت صدای آن را سرکوب کرده است. افزون بر این، پیرو منافع نظام سرمایه‌داری و سوسیالیستی در هر دو سمت سیاسی و اقتصادی جهان، ابرفردگرایی و ارزش‌های وابسته به آن که در ضدیت اساسی با خانواده‌محوری است، در همه عرصه‌های زندگی انسان نفوذ کرده و ضمن نفوذ در فرهنگ عمومی، ساختارهای اجتماعی را با خود هماهنگ کرده است. عدم مساعدت ساختارهای اجتماعی با خانواده، به طور قهری جریان مذهبی خانواده‌گرا را تحت فشار مضاعف قرار داده است. با این وجود به موازات انتشار آثار ابرفردگرایی مانند خودتمرکزی؛ وارونگی ارزش؛ بدن‌مندی رابطه زناشویی؛ مادیت و

رفاه‌زدگی؛ بی‌اعتنایی به دین؛ جایگزینی روان الهی با من جنسی (علاسوند، ۱۴۰۳)، طرفداران خانواده طبیعی تقابل خود را در راستای حفظ آن گسترش داده و سازمان‌یافته‌تر عمل می‌کنند. رصد این جریان نشان می‌دهد رسانه‌های آزادتر غربی مانند شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های اینترنتی از انحصار چپ‌گرایان سیاسی خارج شده و به‌عنوان رقیبان سرسخت سینمای هالیوودی به تولید محتوا در دفاع از خانواده می‌پردازند. نگارنده پژوهش گسترده‌ای در این باره به انجام رسانده که نشان می‌دهد اشخاص، نهادها و جریان‌های مستمر علمی - دانشگاهی در قالب برگزاری سمپوزیوم‌ها و همایش‌ها با دبیرخانه‌های دائمی به طور فعال به تقابل هوشمند با جریان‌های ضد خانواده مشغول هستند.

البته جریان جهانی فوق با وجود دفاع از خانواده طبیعی و بر اساس آموزه‌های ادیان الهی، از همه نظر با دیدگاه ایرانی اسلامی هم‌داستان نیستند. برای مثال، طرفداران خانواده در آمریکای شمالی همان جناح راست‌گرا یا محافظه‌کار (Conservatives) در این منطقه هستند که در یک بسته سیاسی، فرهنگی و اقتصادی از خانواده مراقبت می‌کنند و طرفداری از خانواده مسیحی بخشی از نظریه کلان آن‌هاست. شخصیت‌های مطرح این جریان در موضوعات گوناگون به مبارزه با توطئه‌های لیبرال‌هایی می‌پردازند که از نظر آنان، فردگرایان افراطی هستند. شاید مقابله با ارزش‌های افراطی فردگرایی عنوان مناسبی باشد که فعالیت‌های پراکنده و متنوع این گروه از افراد را توصیف می‌کند. برخی به‌طور مستقیم با این ارزش‌ها به مقابله علیه خانواده می‌پردازند و برخی نیز به‌طور غیرمستقیم با ارزش‌هایی مانند حقوق افراد فراجنسی، تغییر جنسیت، هم‌جنس‌گرایی، حق اعطای فرزند به خانواده‌های هم‌جنس و سقط‌جنین مخالفت می‌کنند؛ ارزش‌هایی که درنهایت به سست شدن بنیان‌های خانواده سنتی و از هم پاشیدن نظام خانواده منجر می‌شوند. توجه به این نکته ضروری است که این افراد و طرفدارانشان اگرچه از نظر تعداد زیاد هستند، به دلیل اینکه جریان حاکم رسانه‌ای مدافع ارزش‌های لیبرالیسم افراطی است، آن‌ها را به انزوا می‌کشاند و گاهی با برچسب‌های منفی و فریبنده از سطح عمومی جامعه طرد می‌کند؛

بنابراین یافتن اطلاعات دست اول و درست و تفکیک آن‌ها از امواج رسانه‌ای لیبرال بسیار دشوار است.

۲,۳. تنوع‌گرایی جنسی و تقابل با آن

از جمله موضوعاتی که به طور مستقیم با طرح الهی خانواده در مغایرت بوده و به طور جدید و خاص در دو دهه اخیر مورد حمایت نهادهای ملی در بسیاری از کشورها و نهادهای بین‌المللی بوده است انواع مختلف همجنسگرایی است. در نتیجه گروه‌های متعددی در سرتاسر جهان با مخالفت با تنوع جنسیتی، گرایش‌های LGBTQ و حمایت از خانواده سنتی مبتنی بر وجود دو جنس مذکر و مؤنث اقدام کرده‌اند. در میان این گروه‌ها به صورت شاخص می‌توان از دسته‌بندی گروه‌های مردمی مسیحی طرفدار خانواده (راست‌گرا)، احزاب محافظه‌کار سیاسی طرفدار خانواده، مسلمانان، یهودیان و... نام برد. نکته حائز اهمیت این است که اشتراک نظر این گروه‌ها و سازمان‌ها مانع از اختلاف نظر ایشان و حتی مخالفت صریح با یکدیگر نبوده است؛ برای نمونه برخی مؤسسات مسیحی راست‌گرا به همان اندازه که با حقوق دگرباشان جنسی مخالفت می‌کنند، با اسلام و حقوق مسلمانان مخالفت می‌ورزند. از جمله این سازمان‌ها می‌توان به «انجمن خانواده آمریکا» (American family association)، «بصیرت آمریکایی» (American Vision)، «زنان نگران برای آمریکا» (Concerned Women for America) را نام برد. در واقع، نهادهایی که در این راستا فعال هستند بیشتر به جریان سیاسی جمهوری‌خواهی تعلق داشته یا مسیحیان ایوان جلیکال هستند که به دلیل رویکردهای خاص دینی یا سیاسی با مسلمانان، مهاجران و اقلیت‌های نژادی، رابطه خوبی ندارند. برخی از این نهادها مانند «زنان نگران برای آمریکا» از حامیان اسرائیل هستند؛ به همین سبب لازم است برای هم‌افزایی، گروه‌های مخالف تنوع جنسیتی، با دقت دسته‌بندی شوند و اقدام صحیح و برنامه‌ریزی مناسب در این رابطه صورت پذیرد. گروه‌ها از نظر بزرگی و کوچکی، بستر فعالیت (فضای مجازی اعم از سایت، تلویزیون، ایستگاه رادیویی، واقعی و هردو)، ارتباط با دولت‌ها و احزاب (سیاسی و غیرسیاسی)، قلمرو و میزان نفوذ (محلی، ملی، بین‌المللی، زیاد و کم) و... نیز می‌توانند دسته‌بندی شوند. شایان ذکر است به دلیل شدت فعالیت گروه‌های LGBTQ در کشورهای آمریکایی و

اروپایی، تعداد و میزان عملکرد سازمان‌های مسیحی و نیز تعداد و میزان مخالفت گروه‌های مخالف همجنسگرایی به همان شکل بالاست. این در حالی است که در کشورهای شرق آسیا به خاطر ذات تکثری بودیسم و هندوئیسم افراد با گرایش‌های جنسی گوناگون آزادانه زندگی و مخالفت کمتری دریافت می‌کنند.

با وجود آن که تنوع‌گرایی جنسی از سوی دولت‌ها حمایت شده و میلیاردها دلار تحت عنوان برنامه‌های CSE (Comprehensive Sexual Education) دریافت می‌کنند، گروه‌های مذهبی کوچک تلاش زیادی برای مبارزه به‌ویژه از طریق رسانه‌های خود انجام می‌دهند. در واقع، اغلب سیاستمداران خاص و سازمان‌های خبری فعال در این حوزه موجب تقویت «حقیقی» می‌شوند که این گروه‌ها درباره هم‌جنس‌گرایی منتشر می‌کنند. برای مثال، سیزده گروه که توسط مرکز حقوقی فقر جنوبی (SLPC) با عنوان گروه‌های «نفرت» مشخص شده‌اند، همواره تأکید می‌کنند ادعاهای مطرح شده درباره افراد دگرباش جنسی، نادرست و پژوهش‌های علمی مخالفان نامعتبر است اما این داده‌ها اذهان عمومی را متوجه تحقیقات دانشمندان خانواده‌گرا و مخالف همجنسگرایی می‌کند؛ تحقیقاتی که نشان می‌دهد دفاع از دگرباشی بر اساس تحقیقات علمی متقن، نامعتبر است (splcenter.org). در عین حال این تحقیقات به صورت گسترده و آزادانه ترویج نمی‌شوند.

گفتمنی است پیدا کردن دال اصلی تمدنی برای حفاظت از سمت و سوی دینی در جهان که خود بتواند بر سایر عناصر تفرقه‌انگیز مسلط بشود بسیار مهم است که به نظر می‌رسد خانواده دارای این ظرفیت است. از این رو، تلاش علمی و فرهنگی برای معرفی اندیشه خانواده‌گرایی مسلمانان به‌ویژه شیعیان برای نزدیک شدن خانواده‌گرایان به یکدیگر یا تشکیل لابی‌های قدرتمند برای مقابله با مخاطرات ضدخانواده مؤثر خواهد بود.

۳. یافته‌ها

۳.۱. وجود تقابل هوشمند برای حفاظت از خانواده در گستره جهانی

مراد از حرکت هوشمند پس از آگاهی از پیامدهای مهم فردگرایی، در وهله نخست جنسیت آگاه شدن این جریان است. منظور از جنسیت آگاه شدن درک اوضاع و حالتهایی است که تحولات درباره جنس و جنسیت ایجاد کرده‌اند. این اوضاع عبارت‌اند

از القای ابهام درباره جنس طبیعی و فرایند اجتماعی شدن جنسیت، ابهام درباره خانواده اعم از تعریف، ساختار و نقش‌ها، ابهام در دین و برنامه معنوی برای مرد و زن به‌مثابه یک انسان و اموری از این دست. نظریه جندر، پایه بسیاری از وضعیت‌های فوق بود که چند دهه به صورت یک‌جانبه بر همه حوزه‌های علمی، فرهنگی و سیاسی مسلط شده بود. نویسندگان فمینیست تلاش بسیاری کردند که gender را به‌مثابه یک برساخت در تحلیل‌های خود از زنانگی و مردانگی مطرح کنند و از اهمیت هژمونیک تفاوت‌های مردان و زنان به سود برابری بکاهند. در تحقیقات متعدد فمینیستی، جنسیت یک امر فرهنگی و به معنای طبقه‌بندی جنسیتی است و جبرگرایی بیولوژیکی درباره تفاوت‌ها بی‌معنا است (Delphy, 2003: 59). بیولوژی جنس شاید ظرف تحقق تفاوت‌های جنسیتی، از جمله تقسیم کار اولیه بر مبنای تولیدمثل باشد، اما از نظر دلفی، این تفاوت‌ها، فرهنگی، اجتماعی و کاملاً تحول‌پذیرند (Delphy, 2003: 60). امروزه این نظریه اولاً به‌مثابه مهم‌ترین پایه برای تحولات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی فهم شده و از سوی رهبران جنبش‌های خانواده‌گرا اعم از رهبران نهادی و کنشگران اجتماعی نقد شده است. برای مثال، مستند «زن چیست» که مت والش (Matt Walsh) ساخته، کوشش هدفمند و عالمانه یک کنشگر را در این باره نشان می‌دهد که متوجه شده خاستگاه تحولات اخلاقی ضدخانواده در کشورش و در دنیا را باید در دانشگاه و میان متخصصان یافت؛ از این رو مصاحبه‌های فراوانی در این باره با شخصیت‌های دانشگاهی و متخصصان در سراسر جهان انجام می‌دهد. او به طور دقیق به دنبال بازتعریف زنان بر اساس امر طبیعی و به چالش کشیدن نظریه جندر است.

در وهله بعد، یارگیری ملی و بین‌المللی در این باره است که برگزاری نشست‌ها و همایش‌های متعدد با دبیرخانه‌های ثابت در موضوعات مرتبط با خانواده، نقد هم‌جنس‌گرایی، مخالفت با سقط‌جنین و اموری از این دست بیانگر این رخداد است. سازمان جهانی برای خانواده، کمیته بین‌المللی روابط خانواده و زوجین، پژوهشکده مطالعات خانواده، انجمن اروپایی روابط خانوادگی، آکادمی پژوهش در مشاغل خانوادگی، مرکز مطالعات و پژوهش‌های انسان‌شناختی، اتحادیه جهانی علمای مسلمان، اتحادیه

سازمان‌های مردم‌نهاد جهان اسلام، مرکز بین‌المللی استراتژی‌های آموزش و خانواده تعدادی از این همایش‌ها با دبیرخانه‌های دائمی است.

وجود و فعالیت مستمر چنین نهادهایی نشان می‌دهد خانواده زنده و مهم است و به دلیل دریافت جهانی از اهمیت خانواده، نهادهای متعدد و متنوع علمی، دینی، حاکمیتی و ... درگیر آن هستند. به این ترتیب علی‌رغم برخی برساخت‌ها، به نظر می‌رسد خانواده هم چنان در شرق و غرب جهان، موضوعی مهم و شایسته مطالعه و علم‌ورزی به حساب می‌آید. از سوی دیگر، همچنان نهادهای دینی بیشترین توجه را به خانواده داشته و در بسیاری از همایش‌های خانواده، مجموعه یا کشوری متدین به یکی از ادیان آسمانی جلب توجه می‌کنند. گفتنی است به سبب ماهیت بین‌رشته‌ای مطالعات خانواده، در تقاطع میان این موضوع با موضوعات مختلف، زایش‌های فراوانی رخ داده است. مثلاً شبکه‌ها و مجموعه‌های متعددی دل‌مشغول والدگری و آموزش، مشاغل خانوادگی، خانواده در جنگ، ارتباط بهداشت و درمان با خانواده، آموزش در خانه و... هستند که خود منجر به ظهور زمینه‌های علمی متعدد و نوظهوری می‌شود که خود به توسعه گفتمان خانواده در جهان کمک می‌کند.

جالب توجه است که برگزارکنندگان این همایش‌ها، اشخاص و مجموعه‌های علمی دانشگاهی هستند که دغدغه‌ای ارزشی و اخلاقی نیز دارند. بسیاری از این همایش‌ها در شرح برنامه خود و یا در معرفی مجموعه‌های برگزارکننده، ابتدا بر اهمیت خانواده به‌عنوان پایه جامعه بشری تأکید می‌کنند. اگرچه برخی موارد مشاهده می‌شود که برگزارکنندگان دانشگاهی، در ادامه بیان مأموریت و حوزه مطالعاتی‌شان، به تنوع خانواده هم اشاره می‌کنند؛ اما هم چنان اشاره به خانواده‌های همجنس‌گرا در اکثریت نیست. افزون بر این که تصاویر تزئینی در صفحات این مجموعه‌ها و همایش‌ها، با غلبه حداکثری به خانواده طبیعی، زن و شوهر و فرزند/فرزندان در سنین مختلف، نمایش عشق و محبت و شادی در خانواده معمولی اختصاص دارد که با نگاهی نشانه‌شناختی، دال بر این واقعیت دلالت دارد که هم چنان خانواده طبیعی اولین و مهم‌ترین معنای خانواده حتی در اذهان غربی است. فرصت‌سازی در همایش‌های بین‌المللی ضمن آن که نمایش قدرت معنا‌ساز پیرامون

خانواده است به ایجاد و تداوم ادبیات علمی رو به جلو و پاسنخگو نسبت به تحولات خانواده و کشف راهکارهای جدید برای پایداری آن کمک می‌کند.

در وهله سوم، کوشش جریان‌های خانواده‌گرا با اعلام صریح مواضع علیه هم‌جنس‌گرایی برای ورود به قدرت سیاسی، نشان دیگری از تحقق این مقاومت هوشمند است. امروزه کاندیداهای ورود به قدرت از موافقان و مخالفان خانواده سنتی، به شکل‌های گوناگون در انتخابات سیاسی به چالش کشیده می‌شوند و اعلام مواضع آن‌ها در این باره اثبات می‌کند جریان‌های خانواده‌گرا، نقش بیشتری در این عرصه بر عهده گرفته‌اند. در وهله چهارم، جریان مردمی مسیحی گاهی از اعلام نظر رسمی کلیسا درباره تاب‌آوری در برابر هم‌جنس‌گرایی فاصله می‌گیرد و نقش فعال و مستقلی برای حفاظت از خانواده طبیعی و الهی بر عهده می‌گیرد. این موارد نشان می‌دهد امروزه شاهد جریان هوشمند و نیرومندی در حراست از خانواده در برابر نظریه جندر هستیم.

۳،۲. ضرورت حفاظت مسلمانان از خانواده با نگاه تمدنی و ساختار ساز

بازخوانی درباره خانواده و مهم‌ترین ارزش‌های آن با نگاه تمدنی و ساختار ساز، از وظایف اساسی برای مسلمانان است چه آن‌ها که در تمامیت ارضی یک کشور اسلامی زندگی می‌کنند و چه آنان که به‌مثابه یک خرده فرهنگ در کشورهای دیگر حضور دارند. آیت‌الله خامنه‌ای در نسبت میان خانواده و اجتماع عبارات متعددی دارند که اختصاصی به جامعه یا کشور اسلامی ندارد بلکه نسبت میان خانواده و جامعه از نظر صلاح و فساد را مانند امری طبیعی قلمداد کرده که در هر حال بین آن‌ها رابطه مستقیم وجود دارد. از جمله فرمایشات ایشان این عبارت است که «هر کشوری که در آن بنیان خانواده مستحکم باشد، بسیاری از مشکلات آن کشور، بخصوص مشکلات اخلاقی و معنوی آن به برکت خانواده‌ی سالم و مستحکم برطرف می‌شود یا اصلاً به وجود نمی‌آید» (خامنه‌ای، خطبه: ۱۳۷۶/۰۹/۰۲). در عین حال در جوامع اسلامی و بر اساس آداب و احکام اسلامی خانواده مسلمان ظرفیت‌های منحصر به فردی دارد که باید آن را حفظ کند و تمدن خود را از طریق آن بسط دهد. ایشان در این باره فرمودند «در محیط اسلامی، زن و شوهر با هم‌اند، در مقابل هم مسئول‌اند، در مقابل فرزندان مسئول‌اند در مقابل محیط خانواده مسئول‌اند» (خامنه‌ای،

خطبه: ۱۳۷۶/۰۶/۱۸). «بحمدالله، در کشور ما و در بسیاری از جوامع شرقی، بخصوص جوامع اسلامی، هنوز کمربند خانواده محفوظ است» (خامنه‌ای، خطبه: ۱۳۷۶/۰۴/۳۱).

این امر یک پیشینه تاریخی-طبیعی و یک پیشینه قانونی محکم دارد. اگرچه اسلام از سنت غنی فقهی برخوردار است که چشم‌اندازهای متنوعی را امکان‌پذیر کرده و هنجارهای فرهنگی گوناگون را در خود جای می‌دهد، اصول و ارزش‌های صریحی دارد که تغییرناپذیرند و امکان گفت‌وگو و بازنگری از سوی هیچ شخص یا نهادی از جمله عالی‌ترین مراجع دینی را نداشته و ک‌به‌طور کامل از ثبات برخوردارند (navigatingdifferences.com). شریعت اسلامی به‌مثابه منبع اصلی حقوق خانوادگی و اجتماعی، مهم‌ترین عامل ثبات قوانین آن است. این مسئله به دلیل ملاک‌های احکام و قوانین است؛ امور مهمی که اشخاص نمی‌توانند برخلاف آن‌ها با یکدیگر توافق کنند. احکام دینی صورت‌های خالی از واقعیت نیستند بلکه بر مبنای مصلحت‌ها و مفسده‌های واقعی اعتبار یافته‌اند که با قرارداد افراد و قانون‌گذاران تغییر نمی‌کنند. این امر درباره خانواده که به آن شمایی فقهی داده است، خانواده اسلامی را از تحولات بسیاری حفاظت می‌کند و شاید به دلیل اهمیت خانواده در تمدن‌سازی و نقش آن در حفظ هویت اسلامی افراد است که عقد نکاح با همه قراردادهای شرعی متفاوت است و به تعبیر برخی فقها، فراوانی احکام شرعی و تأسیسی، آن را شبیه به عبادت کرده است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۲: ۱۲۳).

تأکید بر رویکرد تمدنی برای دفاع از خانواده، در واقع هوشیاری جدیدی برای تقابل و بلعیدن تمدن رقیب است. تمدن رقیب مبارزه با نمادهای خانواده را برای از بین بردن عقلانیت آن در دستور کار قرار داده است. برای مثال یکی از ارکان تمدنی اقتصاد است. ضدیت با خانواده قانونی با محوریت عفاف تجارت متفاوتی در جهان ایجاد کرده است که بر مبنای شهوات، رهایی از خرد و سلطه بدن است. فروش بی‌عفتی در قالب تجاری‌سازی پزشکی، مد و فشن، پورنوگرافی، خرید و فروش الکل و خرید و فروش مخدرات یک تجارت و اقتصاد مخرب است که خود به صدمات مجدد به پایه‌های تمدن عفت محور یعنی ازدواج و خانواده منجر شده و می‌شود. چنان که گذشت، افزون بر اقتصاد، سیاست

در این تمدن هم سیاست متفاوتی است و سیاستمداران را به دو گروه بزرگ راست سستی طرفدار خانواده و چپ تقسیم کرده است.

با وجود آن که شبکه خبثت با محوریت ضدیت با خانواده و پاک‌دامنی در شکل تمدنی کار خود را پیش برده است، فقدان نگرش کلان و ساختارمند در سمت دین‌باوران، باعث غفلت از ظرفیت مهم تمدنی بر مبنای نقاط قوت دکترین اسلامی و برپایه‌ی یک جامعه بر مبنای آن شده است. طرفداران عفاف در کشورهای اسلامی به صورت نه‌چندان خودآگاه و تنها بر مبنای نگرش فقهی، آن را در قالب رفتارهای جزئی نگه داشته‌اند. اهمیت به ازدواج، خانواده، نماز و طبعاً مقدمات آن، دوری از مشروبات الکلی، دوری از زنا، دوری از همجنس‌گرایی، حفظ نظر و غیرت و حیا همه از اموری هستند که اساس رفتار مسلمانان را در کشورهای اسلامی تشکیل می‌دهند که به‌مثابه امر دینی و فقهی فهم می‌شوند. این در حالی است که همین امور در اصل گرداگرد خود یک تمدن را شکل داده و صنایع، علم، تجارت و سیاست متفاوتی را برای این کشورها پیش آورده‌اند که در خودآگاه و خودباوری مسلمانان جای خود را باز نکرده بلکه جوامع اسلامی از مظاهر تمدنی غربی با گشودگی استقبال کرده‌اند. عامل مهم در این رابطه نیز این است که استعمار با توجه به فرآیند متحول خود از شکل کهنه به استعمار نو و فرانوی و سپس استعمار سایبری همواره زن و خانواده را به‌عنوان یک فرصت برای تقابل و نفوذ در نظر داشته و جوامع اسلامی همواره با فشارهای بنیان برکن از سوی غرب مواجه بوده‌اند.

در موضوعات تمدنی معمولاً محققان به‌سوی نقاط ضعف در جامعه‌های مسلمان رفته و نقاط برجسته که تمدن غربی را مسلط کرده‌اند را برجسته کرده و از این منظر بخشی از این حوزه مطالعاتی و پژوهشی را پیش برده‌اند اما از سوی نقاط قوت جوامع مسلمان کمتر وارد شده‌اند. این امر باعث شده در سویه تمدن اسلامی یا مطالعات تمدنی، قدر کلان داشته‌ها معلوم نشده و از ظرفیت و فعلیت آن‌ها در نگهداشت تمدن اسلامی غفلت گردد. چنین مسئله‌ای خود ناشی از فقدان نگرش پارادایمی به نظام فکری و عملی اسلامی است که بقا و پیروزی نهایی جزو قواعد و وعده‌های الهی آن است. این که چه تمدنی می‌تواند مانا باشد افزون بر امدادهای الهی و غیبی مرهون کوشش امت اسلامی است که

اتفاقاً ظرفیت بزرگی از آن در جوامع اسلامی جاری است حتی اگر خود متوجه نباشند؛ قدرتی که از توحید، اخلاق و فقه اسلامی اشراب می‌شود و اتفاقاً اگرچه مسلمانان آن را دست‌کم گرفته‌اند، تمدن‌های ستیزه‌جوی رقیب کاملاً به پتانسیل درونی آن‌ها آگاه بوده و روی همین امور کار کرده‌اند.

از نظر برخی محققان، امر تمدنی در اسلام باید چندین خصلت داشته باشد مانند این که کلان و فراگیر باشند، دست‌کم در جهان اسلام، آثار اجتماعی کلان در وضعیت امروز و آینده برای حیات جهان اسلام داشته باشند، برای حیات جهان اسلام دارای اولویت باشند، این نقطه‌های نیاز نقطه‌های نفوذ و پذیرش استعمار مدرن باشند (بابایی، ۱۴۰۳: ۵۳). موضوع خانواده که به طور مستقیم به چند بسته اخلاقی و فقهی و البته اعتقادی مرتبط است ظرفیت بالایی برای بررسی‌ها و رشته عملیات تمدنی دارد. در واقع خانواده، زن و عفت از جمله محدود اموری هستند که کشورهای اسلامی با وجود همه تفاوت‌های مذهبی و فرهنگی می‌توانند درباره آن‌ها به همگرایی رسیده و به‌عنوان امت به اصلاحات تمدن‌ساز دست بزنند.

از همین رو مشاهده می‌کنیم مفاهیم و گزاره‌هایی مانند فرد آزاد، خویش‌ن‌مالکی، شور جنسی، راحتی و رفاه و سایر اصول سبک زندگی تعیش‌محور، در اصل در راستای مخالفت با خانواده و محو قوانین تاریخی آن به کار گرفته شدند؛ برای مثال نفی اقتدار حلال‌زادگی بر قوانین رسمی و هنجارهای عرفی در طول یک‌صد سال اخیر در ضدیت با پاک‌دامنی به‌سوی ایجاد تمدن غیرعفیف و مغایر با خانواده‌گرایی حرکت کرده است.

۳.۳. عمل‌گرایی برای حفاظت از خانواده میان مسلمانان در خرده‌فرهنگ‌ها

جریان خانواده‌گرا در جهان باید به همه این تقابل‌ها آگاهی داشته باشد و برای حرکت در مسیر مراقبت از خانواده در همه موضوعات، برنامه داشته باشد. برای نمونه ما می‌دانیم گفتمان عمومی در مورد تمایلات جنسی در چند دهه گذشته چالش‌هایی را برای خانواده‌گرایی جوامع مسلمان ایجاد کرده است. امروزه اخلاق جنسی و جنسیتی اسلامی در تضاد با برخی دیدگاه‌های اجتماعی رایج است و باعث تنش میان مسلمانان درباره تقابل باورهای مذهبی و انتظارات اجتماعی از آن‌ها شده و آن‌ها به نابردباری و تعصب

متهم می‌گردند. فشار روزافزون برای ترویج ارزش‌های مبتنی بر رواداری LGBTQ در میان کودکان از طریق قوانین و مقررات، نادیده گرفتن رضایت والدین برای آموزش جنسی و تصمیمات مربوط به تغییر یا تعویق جنسیت و محروم کردن والدین و فرزندان از فرصت ابراز مخالفت با ارزش‌های فوق در سطوح گوناگون ملی و بین‌المللی وجود دارد که همه کشورها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. چنین سیاست‌هایی کارگزاری والدین مسلمان را برای آموزش اخلاق جنسی مبتنی بر دین به فرزندانشان زیر پا می‌گذارد، حق مندرج در قوانین اساسی برای انجام آزادانه امور دینی خود را نقض می‌کند و به ایجاد فضای تقابل با جوامع مذهبی کمک می‌کند (navigatingdifferences.com).

این مسئله به مدارس اختصاص ندارد و در دانشگاه‌ها، سال‌های بیشتری است که دنبال شده است. گروسمن می‌گوید در دانشگاه‌های ما به دلیل وجود تنوع در گرایش‌های جنسی، گاهی درمانگران هم‌جنس‌گرا را استخدام می‌کند تا مراجعان با آرامش بیشتری مسائل خود را دنبال کنند؛ درحالی‌که از نظر مسئولان، نیازی به استخدام عامدانه کسانی نیست که به ارزش‌های مذهبی باور دارند. در این مراکز با وجود تساوی همگان در پرداخت حق بیمه، میزان دریافت کمک و مشاوره به افراد هم‌جنس‌گرا یا کسانی که می‌خواهند جنین خود را سقط کنند یا حتی سیاهان، بسیار بیشتر از کسی است که به خداوند معتقد است و بر اساس این باور علاقه‌مند است فرزند بیشتری داشته باشد و برای بارداری به مشاوره نیاز دارد (Grossman, 2007, chapter 3).

از سوی دیگر در سطوح گوناگون نهادی و سیاسی، فشار برای ترویج گفتمان هم‌جنس‌گرایی به طور سازمان‌یافته وجود دارد؛ برای نمونه همه کمپانی‌های تجاری و اقتصادی برای به رسمیت شناختن هم‌جنس‌گرایی یا آزادی جنسی تحت فشار هستند (Cooban, 2022)؛ چنان‌که کشورهای اسلامی نیز از طریق سفارتخانه‌های آمریکا برای همین منظور تحت الزام و فشار هستند. در این میان دیده می‌شود حامیان هم‌جنس‌گرایی گاهی از نمادهای مسلمانان مانند حجاب یا کاراکتر بی‌چه‌های مسلمان برای تبلیغ ادبیات این گروه‌ها استفاده کرده و به نفوذ این گفتمان در میان مسلمانان به‌طور خاص می‌پردازند تا جریان‌های مقاوم را زودتر تحت تأثیر قرار داده و مقاومت آن‌ها در برابر تغییر هنجارهای

دینی را تضعیف کنند (SOGI, 2022). به دلیل همین حرکت مهندسی‌شده و همه‌جانبه در مقیاس جهانی، لازم است فعالیت مسلمانان برای حفاظت از خانواده حساب‌شده باشد؛ چیزی که مسیحیان نیز از دهه‌ها پیش ضرورت آن را کاملاً درک کرده بودند (Kirk and Madsen, 1989, xxviii). این حجم از تقابل از ما می‌طلبد جریان خانواده‌گرا نگاه دوربرد و انسجام بیشتری در راه خطیر حفاظت از خانواده داشته باشد.

خوشبختانه در دهه اخیر شاهد پدیده‌ای منحصربه‌فرد در دفاع از خانواده دینی در مقیاس جهانی هستیم. اگرچه مسلمانان مهاجر و غیرمهاجر در غرب در خط مقدم این جنبش اجتماعی هستند، اصل جنبش فراتر از هر دین یا قومیتی است. در اصل این اعتراضات به رهبری والدین در سراسر آمریکا، کانادا و اروپا آغاز شده تا در برابر هیئت‌های مدیریتی مدارس ایستاده و مانع انتقال محتوای مرتبط با سبک زندگی LGBTQ به فرزندان‌شان شوند. می‌توان گفت فشار آموزش جنسی در این کشورها این جنبش را به شکل امروزی تبدیل کرده است و غیریت‌های جدی‌تری را سامان داده است. در واقع، مسئله بااهمیت نزد آنان خانواده و معصومیت کودکان است (Qadhi, 2023).

صرف‌نظر از تلقین‌های فردگرایانه، بسیاری معتقدند والدین همواره وظیفه خدادادی و حق قانونی دارند که به فرزندان خود آموزش و راهنمایی اخلاقی بدهند. این امر شامل حق والدین و فرزندان‌شان برای رد ایدئولوژی‌هایی است که با عقاید آن‌ها در تضاد است. چنان‌که گذشت، درحالی‌که والدین از همه اقوام و مذاهب درگیر این مسئله هستند، والدین مسلمان، هم به‌عنوان سازمان‌دهندگان و هم به‌عنوان معترضان نقش اصلی را در همه این موارد ایفا می‌کنند و حضور بسیار مشهود آن‌ها در رسانه‌های اجتماعی نیرومند است. با این حال مؤسسات سکولار مانند مدارس دولتی به صورت یک‌جانبه و تمامیت‌خواهانه به معلمان دستور می‌دهند دانش‌آموزان را آماده کنند تا ایدئولوژی LGBTQ را بپذیرند. این فشار گاهی با این تهدید همراه است که در صورت خودداری از انجام این کار، به‌عنوان یک معلم «به کشورشان تعلق ندارند». در برخی ایالت‌ها در آمریکا، مدارس کتاب‌هایی را تأیید می‌کنند که هم‌جنس‌گرایی و تغییر جنسیت را به‌عنوان واقعیت‌های عادی برای کودکان سه‌ساله مورد بحث قرار می‌دهند. این در حالی است که این کودکان

به‌سختی می‌توانند یک جمله کامل بسازند (Qadhi, 2023). اغلب اوقات، کسانی که می‌خواهند مطابق با جریان اصلی و اخلاقی مبتنی بر خانواده زندگی کنند، در صورت خودداری از حمایت از رویدادهای LGBTQ به تعصب و هم‌جنس‌گرا هراسی متهم می‌شوند. این پیامدهای اجتماعی رنج زیادی برای بسیاری از افراد ایجاد می‌کنند و اغلب به خاطر پرهیز از این پیامدها که انزوای اجتماعی کمترین آنهاست، در برابر این تهدید بزرگ سکوت می‌کنند. جریان‌های دینی به‌ویژه مسلمانان امروزه می‌کوشند با دادن بیانه‌های متعدد به والدین کمک کنند تا بدون ترس از مجازات قانونی، حق خود را برای داشتن دیدگاه‌های مذهبی خود تثبیت کنند. این پشتیبانی نظری و اجتماعی به شکل‌سازی آن‌ها کمک کرده است.

با وجود این دغدغه والدینی و سپس دینی میان مؤمنان - چنان‌که گذشت - مسلمانان در این راستا تلاش بیشتری به خرج می‌دهند. تلاش جامعه مسلمانان در تقابل با رواداری رفتارهای نامشروع مانند هم‌جنس‌گرایی، زمانی که هم‌صدا و همراه با شواهد علمی باشند، معمولاً به نتیجه می‌رسد. یکی از این موارد، مخالفت با پوستری به نام «تنوع عشق» بود. این پوستر تصویری از دو زن باحجاب را نشان می‌دهد که در حال بوسیدن یکدیگر هستند که در روز جهانی مخالفت با هموفوبیا (هفدهم می) در یک دانشگاه کانادایی نصب شد (El-Tobgui, 2022). این پوستر مخالفت گسترده مسلمانان را به دنبال داشت که با عقب‌نشینی اولیه دانشگاه همراه شد. دانشگاه پذیرفت که این موضوع «پیچیده و متقاطع» است و در مقاله‌ای با عنوان زیرکانه «ملت LGBTQ» مسئله مهمی را درباره نظر اسلام در این‌باره تحریف کرد. در این مقاله آمده است فرهنگ مسلمانان ذاتاً ضد هم‌جنس‌بازی نیست و قرآن بر خلاف کتاب مقدس مسیحیان، درباره هم‌جنس‌گرایی ساکت است. متأسفانه طبق یک مطالعه تحقیقاتی که مؤسسه پیو انجام داده، آمده است مسلمانان آمریکایی بیشتر از مسیحیان انجیلی، پروتستان و مورمون‌ها از ازدواج هم‌جنس‌گرایان حمایت می‌کنند. بعید نیست این عده، جامعه اسمی اسلامی باشند و نه کسانی که التزام عملی به اسلام دارند. گفتنی است با وجود تحریف فوق، در نهایت دانشگاه به خواسته‌های

مقاومتی مسلمانان تن داد و پوستر را پایین کشید که پیروزی مهمی برای آنان به شمار آمد (yaqeeninstitute.org).

گفتنی است برخی مسلمانان یا پیروان ادیان دیگر که می‌خواهند میان تعهدات سیاسی و اعتقادات مذهبی خود هماهنگی ایجاد کنند، به‌طور عمدۀ طرف سیاسی را ترجیح می‌دهند؛ حتی اگر به قیمت بازتفسیر ریشه‌ای ایمانشان باشد (Qadhi, 2023). جریان چپ‌گرا با بهره‌گیری از ادبیات اقلیت‌گرا به دنبال مشروعیت‌بخشی و کسب احترام برای گروه‌هایی است که در جامعه‌های بزرگ‌تر، اقلیت شمرده می‌شوند. این رویکرد با بهره‌گیری از عواطف اجتماعی درباره سیاهان، مهاجران، مسلمانان به‌عنوان اقلیت، حمایت حقوقی را برای هم‌جنس‌گرایان نیز جلب می‌کند. به همین دلیل دیدگاهی که مسلمانان برای مقاومت در برابر رواداری ارزش‌های ضدخانواده به‌ویژه هم‌جنس‌گرایی در پیش گرفته‌اند، تأکید بر اهمیت ایدئولوژی و ترجیح آن بر رویکرد سیاسی است. از نظر آن‌ها ثبات احکام و آیات تحریف‌نشده قرآن مهم‌ترین منبع برای حفاظت از خانواده است. حرمت هم‌جنس‌گرایی در اسلام، قطعی و بر اساس قرآن، انحرافی تاریخی و نامشروع در همه ادیان است. مسلمانان نیازمند ایجاد پارادایم خانواده‌گرا در ائتلاف با ادیان ابراهیمی هستند که علیه آرمان ایدئولوژیک کورجنسی جدید حرکت کنند و مانع گسترش مهندسی اجتماعی علیه فضیلت‌های دینی به‌ویژه در ارتباط با پاک‌دامنی شوند.

روشن است که جریان مقابل توانسته ارزش‌های هم‌جنس‌گرایی را از یک تابو تا جریان اصلی تغییر دهد و مخالفت با آن مانند مخالفت با ضدا ارزش‌هایی همچون مصرف الکل یا مواد مخدر نیست؛ زیرا چنان‌که پیش‌تر ذکر شد، امروزه با گفتمان هم‌جنس‌گرایی روبه‌رو هستیم، نه تنها یک رفتار؛ گفتمانی که نقطه ثقل آن تغییر در هویت جنسی و جنسیتی است و مفاهیم مورد اتکای آن، مفاهیم جهانی کرامت انسانی، عدالت، احترام و خودمختاری است. از سوی دیگر نظام سکولار بینامدردن - پسامدردن بیشترین ضربه را به متافیزیک فضیلت زده و بسیاری از مفاهیم اخلاقی یا ارزشی را از بنیاد معنوی و الهی آن تهی کرده است. مفاهیمی مانند جنس، عدالت، کرامت، احترام و استقلال به‌عنوان ارزش‌های این جهانی و سیال درصدد قطع رابطه مؤمنان با پیشینه الهی و طبیعی آنان

است. بر این اساس ادبیات سنتی در مخالفت با این پدیده پاسخگو نیست و باید جامعه مسلمانان با همین مفاهیم روبه‌رو شوند و آن‌ها را به دستور کار تبدیل کنند. فهم این شکاف به درک چالش اصلی نسل مؤمنان در نسبت با ارزش‌های جدید کمک می‌کند. نباید از این واقعیت غفلت کرد که این گفتمان هر رفتاری را که دال مرکزی آن آزادی جنسی باشد، منطقی می‌داند و هر ارزشی را که درباره خویش‌داری و سلامت جنسی بر پایه عفاف باشد، مضحک قلمداد می‌کند.

نتیجه‌گیری

خانواده زنده و مهم است. نه تنها به سبب ماهیت بین‌رشته‌ای «موضوع خانواده»، بلکه به دلیل دریافت جهانی از اهمیت خانواده، نهادهای متعدد و متنوع علمی، دینی، حاکمیتی و... درگیر آن هستند. بدین ترتیب به‌رغم برخی برساخت‌ها، به نظر می‌رسد خانواده همچنان در شرق و غرب جهان، موضوعی مهم و شایسته مطالعه و علم‌ورزی و محوریت قرار گرفتن برای حرکت اجتماعی و همگرایی جهانی به شمار می‌آید.

افزون بر این، نهادهای دینی بیشترین توجه را به خانواده دارند و در بسیاری از همایش‌های خانواده، حضور طرفداران ادیان ابراهیمی چشمگیر است. این افراد زمانی که فارغ از اختلافات سیاسی یکدیگر را در نشست‌های علمی ملاقات می‌کنند متوجه می‌شوند درباره خانواده و مقوله‌های مهم آن مانند فطری بودن ساختارها، نقش‌های جنسیتی، تربیت فرزند و موارد مشابه کاملاً مانند یکدیگر فکر می‌کنند و دارای «دیگری» مشترک در این باره هستند.

افزایش و ارتقای ازدواج، کاهش طلاق، فرزندپروری، چالش‌های خانواده در برابر تحولات جدید مانند بی‌دینی، شخصی شدن اخلاق، روابط آزاد، همجنسگرایی، شیوع بیماری‌های مقاربتی، مسئله گسیختگی روابط، والدگری و آموزش، مشاغل خانوادگی، خانواده در جنگ، ارتباط بهداشت و درمان با خانواده، آموزش در خانه همه از جمله موضوعات مورد توجه در حوزه خانواده برای طرفداران آن هستند که با اشکال مختلف دنبال می‌شوند اما مهم‌تر از همه تحولات بر محور امر جنسی است که به دلیل حمایت از

سوی قدرت و سیاست به‌ویژه جناح چپ سیاسی به مسئله تراز یک در این تقابل تبدیل شده است.

امروزه شاید هیچ اقلیتی به اندازه اقلیت‌های جنسی از حمایت‌های بین‌المللی برخوردار نیستند و این سطح از رصد و حمایت نیت حامیان را با تردید جدی روبه‌رو می‌کند. در سند پکن که سال ۱۹۹۵ به تصویب کشورها رسید، دوازده عرصه را عرصه‌های خطیر و نگران‌کننده برشمردند که امروزه همه آن موارد تحت تأثیر حقوق اقلیت‌های جنسی قرار گرفته‌اند و پروژه «عدالت جنسیتی» به دنبال حقوق آن‌هاست.

اگرچه نظریه‌سازی و سندسازی برای هم‌جنس‌گرایی در فضای به‌ظاهر آکادمیک صورت می‌گیرد و صدها دانشمند به‌ویژه در مراکز جراحی جنسیت مشغول توجیه انواع جنسیت‌ها هستند، رسانه بیشترین خدمت را برای رواداری و عرفی‌سازی آن انجام می‌دهد. سینما و تلویزیون در غرب اعم از هالیوود، نتفلیکس، برادران وارنر و حتی والت دیزنی با نیروی بی‌سابقه‌ای وارد برساخت کردن معنای جدید درباره جندر یا همان جنسیت شده‌اند.

با توجه به قدرت سیاسی و رسانه‌ای حامیان ضدیت با خانواده، گفتمانی که پیرامون ابرفردگرایی پدید آمده و کنش‌ورزی این جریان بر محور تنوع‌گرایی جنسی که خود به دلیل انتشار انواع بیماری‌های مقاربتی به موضوعی چالش‌برانگیز تبدیل شده است، خانواده‌گرایان با یک نگاه تمدنی و همگرا بر محور ارزش‌های دینی به دفاع از خانواده برآمده‌اند. امروزه بهترین زمان برای همگرایی جهانی بر محور خانواده و اقدامات فراگیر با عناوین نسبتاً جهانی شده مانند مخالفت با همجنس‌گرایی و سقط‌جنین و اباحیگری جنسی هستیم. علیرغم همه فشارهای رسانه‌ای که به‌منظور مخفی کردن این بخش تمدنی و همگرا صورت می‌گیرد، بررسی‌های پژوهشی نشان می‌دهد این طرف بسیار جنسیت آگاه و خانواده‌خواه و دین‌گراست که آمادگی کامل برای ائتلافی بزرگ و دینی دارد. این ائتلاف می‌تواند در سطح جهانی میان پیروان ادیان ابراهیمی، در سطح کشورهای اسلامی میان دولت‌های اسلامی و دولت‌هایی با اکثریت مسلمان و در سطح خرده‌فرهنگ‌ها میان مسلمانان با یکدیگر شکل بگیرد.

فهرست منابع:

- اشلفلی، فیلیس و ونکر، سوزان. (۱۳۹۳). آن روی فمینیسم. نجمیه غلامعلی اللهیاری، تهران: دفتر نشر معارف.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۸-۱۴۰۴). بیانات از سال‌های ۱۳۶۸ الی ۱۴۰۴.
- صلح میرزایی، سعید. (۱۳۹۶). بانوی تراز در گفت‌وگو با امام خمینی و امام خامنه‌ای، قم: زاد اندیشه.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۲). بحوث فقهیه هامة. قم: انتشارات مدرسه امام علی (ع).
- Cooban, Anna. 2022. "Burger King Has a 'Pride Whopper' with 'Two Equal Buns,'" <https://www.cnn.com/2022/06/07/business-food/burger-king-pride-whopper>
- Delphy, Christine. (2003) "Feminist. theory reader: Local and global perspective: Rethinking Sex and Gender", New York, Routledge, (chapter 6, p.p 57- 67)
- El-Tobgui, Carl Sharif. 2022 "Islam and 'LGBTQ': Gender, Sexuality, Morality & Identity," Blogging Theology, YouTube video, June 17, https://www.youtube.com/watch?v=_M4aHFvrCuI.
- Grossman, Miriam.)2007(. Unprotected: A Campus Psychiatrist Reveals How Political Correctness in Her Profession Endangers Every Student, Sentinel, EPUB.
- https://navigatingdifferences.com/clarifying-sexual-and-gender-ethics-in-islam/?fbclid=IwAR3Y9o9EELVBy4A0b_ooSGXX1px4omc13bfjCB2LV0bvGrCcA2D127Z0xCY Navigating Differences: Clarifying Sexual and Gender Ethics in Islam.
- <https://www.splcenter.org/fighting-hate/intelligence-report/2010/18-anti-gay-groups-and-their-propaganda>
- <https://yaqeeninstitute.org/read/paper/islam-and-the-lgbt-question-reframing-the-narrative>
- Kirk Marshall and Madsen Hunter. 1990. After the Ball: How America Will Conquer Its Fear and Hatred of Gays in the 90s, New York: Doubleday.
- SOGI 1 2 3, 2019, www.sogieducation.org/, accessed September 13.